نگاهی به نقش روحانیت در اسارت در گفت‌وگوی «جوان» با چند روحانی آزاده

روحانیون با وجود فشار دشمن فرهنگ مقاومت را در اردوگاه‌ها حاکم کردند

■ آرمان شریف

حضرت امام خمینی(ره) معتقد بودند روحانیت در سخت‌ترین شرایط روح امید و حیات را به مردم جامعه منتقل می‌کرد و با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت همیشه پیشتاز و سپر بلا بود. روحانیون در هر جبهه و صحنه‌ای همواره این نقش مهم و تاریخی را حفظ کرده‌اند و در سخت‌ترین لحظات به یاری مردم شتافته‌اند. دوران اسارت یکی از مهم‌ترین صحنه‌هایی بود که روحانیت نقش تاریخی خود را ایفا کرد و با حضورش در کنار آزادگان، آنها را از این دوره سخت به سلامت عبور داد.

■ **نگاه مقدس رزمندگان به روحانیون**

در تاریخ هشت ساله دفاع مقدس، ۳۰۰ روحانی به اسارت دشمن بعثی درآمدند و نقشی تأثیرگذار برای آزادگان داشتند. آنها چون منجی در اسارت به یاری آزادگان شتافتند و با حضورشان فضای اردوگاه را بانشاط و امیدبخش کردند. دانش و بصیرت روحانیون آزاده در مقاطع مختلفی به یاری اسرا می‌آمد و موجب حفظ روحیه‌شان می‌شد. روحانیان و طلاب در بند رژیم بعث عراق از رسالت حوزوی لحظه‌ای غفلت نکردند و با همت دیگر اسیران در بند و وحدت حوزه و دانشگاه محیط اسارت را به نمونه‌ای از انقلاب اسلامی تبدیل کردند، به‌گونه‌ای که کمتر مناسبت‌های مذهبی و انقلابی بود که برای آن برنامه تهیه و اجرا نکرده باشند. حجت‌الاسلام عیسی نریمیسا، از روحانیونی بود که در سن ۲۰ سالگی اسیر شد و هشت سال را در اردوگاه‌های بعثی گذراند و یکی از کسانی بود که برای بالا بردن روحیه آزادگان تلاش کرد. نریمیسا درباره نقش روحانیون در دوران دفاع مقدس و اسارت می‌گوید: «روحانیت در نگاه رزمندگان یک نگاه خیلی مقدس و کارا بود که می‌توانست برنامه‌های فرهنگی و جنگ را مدیریت کند. امام این نگاه که روحانیون می‌توانند بسیاری از مشکلات را حل کنند تقویت کرده بود و رزمندگان هم روحانیون را در نقش‌های مختلف می‌دیدند و جذبشان می‌شدند. آزادگان در اسارت نیز به روحانیون انقلابی و صادق نگاه ولایی داشتند. آنها مرحوم ابوترابی را به عنوان یک ولی‌فقیه و رهبر در اسارت قبول کرده بودند. اگر ایشان فتوا می‌داد با جان و دل قبول می‌کردند حتی اگر آن فتوا به قیمت از دست دادن جانشان تمام می‌شد. آزادگان حاج آقا ابوترابی را امتداد ولایت می‌دانستند. در اسارت اگر مشکلات امنیتی، اجتماعی، روحی و روانی ایجاد می‌شد، روحانیون با حضورشان مشکلات را برطرف می‌کردند این تفکر از نهاد رهبری و ولایت‌فقیه الگو گرفته شده بود.»

■ **ترویج روحیه شهادت‌طلبی و ایثار**

نریمیسا وضعیت آزادگان در نبود روحانیون را اینگونه تشریح می‌کند: «در همه اردوگاه‌ها روحانیونی حضور داشتند و امور را اداره می‌کردند. شاید در بعضی اردوگاه‌های کوچک روحانی حضور نداشت ولی اخبار اردوگاه‌های دیگر که نظم و مدیریت در آن حاکم بود را می‌گرفتند و الگوبرداری می‌کردند. ما وارد یک اردوگاه شدیم که همه جوانان ۱۶، ۱۷ ساله بودند. آنها روحانی نداشتند. وقتی آنجا رفتیم و کلاس‌های آموزشی برایشان گذاشتیم تعدادی از آزادگان به ما گفتند اگر ما شما را نمی‌شناختیم، می‌گفتیم یکی از پیامبران و فرشتگان هستید و آمده‌اید تا امورات ما را سامان بدهید. می‌گفتند ما چند سال است که اسیر هستیم و عمرمان به بطالت می‌گذشت. وقتی شما اینجا آمدید همه چیز عوض شد. ما براساس گفته مرحوم ابوترابی که اعتقاد داشت اردوگاه باید دانشگاه باشد عمل می‌کردیم. کسانی که در هر رشته‌ای مهارت داشتند را به کار می‌گرفتیم و واقعاً یک دانشگاه درست می‌شد و بچه‌ها بعد از چند سال معلومات‌شان بالا می‌رفت.»

روحانی آزاده جلال جابریان درباره نقش تبلیغی و جهادی روحانیت در دوران اسارت می‌گوید: «نقش تبلیغی روحانیان در اردوگاه دارای دو بعد بود؛ ترویج روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و غلبه بر سختی‌ها و امیددهی به اسرا. در آن دوران فرهنگ و روحیه استقامت در اردوگاه‌ها حاکم بود و در راستای فرهنگ استقامت روحانیان اردوگاه‌ها یک برنامه مدون و جامع تنظیم کرده بودند که سبب می‌شد بچه‌ها در این مسیر ماندگار شوند و به بیراهه نروند. ۸۰ درصد کار تبلیغی روحانیان بر حاکم کردن فرهنگ استقامت در اردوگاه‌ها ختم می‌شد؛ چراکه دشمن لحظه‌ای از هجمه و تبلیغات منفی فرهنگی علیه اسرا دریغ نمی‌کرد. جلوگیری از ایجاد یأس و ناامیدی هم کار تبلیغی دیگر روحانیان بود.» حجت‌الاسلام محمدهاشم عاملی در ۹ اردیبهشت ۶۵ در یک عملیات ایذایی اسیر شد. عاملی در مورد فعالیت‌هایش در اسارت می‌گوید: «من در طول مدتی که در اسارت بودم حتی بعضی از سال‌ها تا هشت ساعت تدریس می‌کردم. بدون داشتن کتابی ناچار بودم اندوخته‌هایم را به بچه‌ها منتقل کنم. چون طلبگی را زود شروع کرده بودم و اندوخته‌های علمی‌ام را مرور و تدریس می‌کردم. بعداً از کتاب‌هایی که آوردند استفاده کردم. چون طلبه‌ای که سطح علمی‌اش بالاتر از من باشد در اردوگاه نبود بیشتر زمانم به تدریس می‌گذشت.»

عاملی در ادامه بیان می‌کند: «در اردوگاه‌هایی که من بودم تعداد طلبه‌ها به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسید. البته این آمار دلیلی بر حضور کم روحانیت در جبهه نیست چون آمار شهدا و اسرای طلبه و روحانی از صنوف دیگر بیشتر است. زمانی که بعثی‌ها افراد را با عنوان سپاهی و روحانی یا فرمانده دستگیر می‌کردند برایشان خیلی مهم و حساس بود. حساسیت‌شان را اینگونه نشان می‌دادند که هرگاه اتفاقی در اردوگاه رخ می‌داد نخست به سراغ افراد شاخص می‌آمدند و مورد بازخواست و تنبیه قرار می‌دادند.»

■ **آموزش با قرآن و نهج‌البلاغه**

حضور حجت‌الاسلام سیدعلی‌اکبر ابوترابی در میان آزادگان در اسارت یک نعمت بزرگ بود. حضور سیدآزادگان، دوران اسارت را برای اسرای ایرانی بسیار پربار و غنی کرد. مرحوم ابوترابی برای آزادگان حکم یک امام و پیشرو را داشت و در موقعیت و بزنگاه‌های مختلف به یاری اسرا می‌آمد.

روحانی آزاده، علی علیدوست، نقش مهم مرحوم ابوترابی را چنین توضیح می‌دهد: «اگر آقای ابوترابی نبود ما تلفات و خسارت بیشتری به لحاظ جسمی و روحی و معنوی می‌دادیم. آقای ابوترابی لطفی از طرف خدا بود تا با آن تجربه، ایمان و اخلاق و علم اسیر شود تا کمک حال آزادگان باشد. در بین کسانی که در اسارت بودند هیچ‌کسی نمی‌توانست نقش آقای ابوترابی را ایفا کند. ایشان حالت معنوی پدرانه نسبت به همه اسرا داشت و هر کسی که ایشان را می‌دید احساس می‌کرد نزدیک‌ترین فرد به او در اسارت ایشان است.»

نریمیسا در مورد شیوه کار و رهبری سیدآزادگان می‌گوید: «مدل کار حاج‌آقا ابوترابی اینگونه بود که سعی می‌کرد روحانیون را شناسایی و تربیت کند. هر روز جلسه‌ای با ایشان داشتیم و بخشی از قرآن و نهج‌البلاغه را یاد می‌گرفتیم و مکلف بودیم چیزی که یاد گرفته‌ایم را به دیگران انتقال دهیم. ایشان سیاست‌های حفظ اردوگاه از لحاظ اخلاقی، امنیتی و فکری را تبیین می‌کردند و به نمایندگان‌شان در هر آسایشگاه انتقال می‌دادند. اینها هسته‌های فرهنگی بودند و با اینکه وسایل ارتباطی نبود موبه‌مو هر چه ایشان مدنظرش بود در اردوگاه انجام می‌شد و امور مثل ساعت می‌چرخید و هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شد. هر اردوگاهی که رفتیم این مدل را اجرا می‌کردیم، بنابراین به صورت خیلی سریع طرح شایع می‌شد و مورد توجه آزادگان قرار می‌گرفت.»

■ **تبلیغات دشمن علیه روحانیت**

نریمیسا در مورد حساسیت بعثی‌ها روی روحانیون آزاده می‌گوید: «عراقی‌ها روی پاسداران و روحانیون خیلی حساس بودند. اگر می‌فهمیدند کسی روحانی است می‌گفتند پس بقیه آزادگان از او تبعیت می‌کنند. به همین خاطر روحانیون همیشه در مظان اتهام بودند و اگر یک روحانی را در جبهه می‌گرفتند شهیدش می‌کردند. روحانیون زمان رزم لباس نظامی نمی‌پوشیدند و پس از اسارت عراقی‌ها متوجه هویت‌شان نمی‌شدند. اگر یک روحانی را در جبهه می‌گرفتند تبلیغات زیادی علیه روحانیون انجام می‌دادند. در اردوگاه هر مخالفتی که می‌شد سریع روحانیون را احضار می‌کردند و می‌گفتند مقصر شما هستید و حتماً تحریک‌شان کردید تا مخالفت کنند و هر مخالفتی را حتی مخالفت‌های شخصی را به گردن روحانیون می‌انداختند. مسئولان اردوگاه به من و سایر روحانیون می‌گفتند که ما فرمانده ظاهری هستیم و الان که شما وارد شده‌اید فرمانده واقعی خواهید بود.»

جابریان نیز حساسیت بعثی‌ها را اینگونه بازگو می‌کند: «دشمن در دوران جنگ به روحانیت حساسیت خاصی داشت، همه اتفاقاتی که در دوران جنگ تحمیلی رخ می‌داد دشمنان بعثی آن را زیر سر روحانیت می‌دانستند. در دوران اسارت، اسرا ملجا و پناهگاهی غیر از روحانی نداشتند، مرجع همه امور اسرا در دوران اسارت روحانی بسیجی و ولایی بود. وظیفه یک روحانی در دوران اسارت بسیار سنگین بود، ثابت قدم نگه‌داشتن اسرای ایرانی در بند رژیم بعث عراق وظیفه بسیار سنگین و سختی بود. در آن دوران هیچ گونه امکانات و کتابی وجود نداشت که بتوان از روی آن برای اسرا احکام و معارف دینی را آموزش داد، این امر وظیفه روحانیت در آن دوران را بسیار دشوار کرده بود. قرآن تنها منبع و ملجا بچه‌های آزاده برای آموزش معارف دینی در آن دوران بود، بچه‌های آزاده برای دریافت قرآن کریم باید شش ماه در نوبت می‌ماندند. در دوران اسارت همه اعمال یک روحانی زیر ذره بین بعثی‌ها بود؛ چراکه رژیم بعث عراق همه تحرکات و انفعالاتی که در اردوگاه‌های اسرای ایرانی اتفاق می‌افتاد را زیر سر روحانیان می‌دانست؛ از این‌رو همه اعمال و حرکات یک روحانی را زیر نظر می‌گرفتند.»

> روحانیت در نگاه رزمندگان یک نگاه خیلی مقدس و کارا بود که می‌توانست برنامه‌های فرهنگی و جنگ را مدیریت کند. امام این نگاه که روحانیون می‌توانند بسیاری از مشکلات را حل کنند تقویت کرده بود و رزمندگان هم روحانیون را در نقش‌های مختلف می‌دیدند و جذبشان می‌شدند

> دشمن در دوران جنگ به روحانیت حساسیت خاصی داشت، همه اتفاقاتی که در دوران جنگ تحمیلی رخ می‌داد دشمنان بعثی آن را زیر سر روحانیت می‌دانستند. در دوران اسارت، اسرا ملجا و پناهگاهی غیر از روحانی نداشتند

سید علی‌اکبر ابوترابی یک نعمت بزرگ در میان اسرای ایرانی بود

یادکرد

برای روحانی مدافع حرم شهید مجید سلمانیان

«اخلاص» مطلع و مقطع صحبت‌های آقا مجید بود

■ غلامحسین بهبودی

هنوز چند ماهی از شهادت حجت‌الاسلام مجید سلمانیان در کربلای خان‌طومان سوریه نمی‌گذشت که فیلم تکان دهنده‌ای از او در فضای مجازی منتشر شد. در این کلیپ چند دقیقه‌ای خود شهید سلمانیان درخواست کرده بود تا به شهادت نرسیده است، این تصاویر را منتشر نکنند او به شهادت رسیده بود و کلیپی که «اخلاص» مطلع و مقطعش بود، خبر از رازهایی می‌داد که او با عمه‌سادات حضرت زینب کبری(س) در میان گذاشته بود.

■ **گفت‌وگو با مادر**

شهید سلمانیان را زمانی بهتر شناختم که شش ماه پس از شهادتش در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ در کربلای خان‌طومان، با مادرش فرزانه گرشاسبی به گفت‌وگو نشستم. مادر می‌گفت «آقا مجید خیلی دلسوز محرومان و مستمندان بود. گاهی می‌شد پول توی جیبش را می‌بخشید و جیبش خالی می‌شد یا یک خانواده مستمند را شناسایی می‌کرد و می‌آمد و کابینت‌های خانه را باز می‌کرد و به من می‌گفت: چقدر قند یا چقدر برنج داریم. خیلی‌ها هستند که به نان شبشان محتاجند».

آقا مجید بخشندگی را تنها در مال نمی‌دانست. او در بخشش جان هم همین طور بود. وقتی که شنید تکفیری‌ها به حریم اهل‌بیت تجاوز کرده‌اند و خون مسلمانان را به بهانه دین می‌ریزند! دیگر نتوانست در خانه بماند و به قول خودش «خیلی این در و آن در زد تا برای دفاع از حرم اعزام شود.» در کلیپی که کمی قبل از اعزام از او ضبط شده بود با حال عجیبی از روزهایی می‌گفت که قصد رفتن به سوریه را داشت و بارها اعزامش به مشکل برمی‌خورد.

■ **کلیپ اخلاص!**

چند ماهی از شهادت حجت‌الاسلام مجید سلمانیان می‌گذشت که کلیپی از او در فضای مجازی منتشر شد. آقا مجید در ابتدای این کلیپ گفت که تا شهید نشده نباید آن را پخش کنند. بعد با حال غریبی گفت: چند روز پیش به بی‌بی حضرت زینب(س) گلایه کردم. گفتم سه ماهه پاسپورت در جیبم و پوتین به پام. هر روز این در و آن در می‌زنم قابل نمی‌دونید. اینکه هنر نیست با لیاقت‌ها را ببرید. اعجاز این که بی‌لیاقت‌ها را ببرید. اعجاز این است که بدها را هم ببرید. صبح خواب دیدم...»

آقا مجید صبح خواب حضرت زینب(س) را می‌بیند که عمه سادات، او را هم دعوت کرده‌اند. شهید سلمانیان در پایان این کلیپ تکان دهنده که زمانش دو دقیقه هم نمی‌شود، می‌گفت «من این را اعجاز حضرت زینب(س) می‌دانم. خودم می‌دانم چه کسی را دارند می‌برند... در کوی نیک نامان ما را گذر ندادند/ گر تو نمی‌پسندی تغییر ده قضا را»

■ **به مادرت زنگ بزن!**

زمانی که با مادر شهید مجید سلمانیان گفت‌وگو می‌کردم، هنوز پیکر فرزند شهیدش به ایران باز نگشته بود. آقا مجید تا سال ۹۹ مهمان حضرت زینب(س) بود و سپس پیکرش تفحص و شناسایی شد. در گفت‌وگو با مادر شهید و در حال و هوایی که پیکر فرزندش کیلومترها دورتر از او در جای نامعلومی حضور داشت از من درخواست کرد هر روز به مادر خودم زنگ بزنم! وقتی گفتم مادرم مرحوم شده است، گفت «لااقل هر روز با یک فاتحه یادش کن...»

حاج مجید فرزند خوبی برای مادرش بود. هر روز سراغ مادر را می‌گرفت و قدر تربیت‌های مادر را دانست و عزیزترین داشته‌اش یعنی جانش را فدای حضرت دوست کرد. نکته جالب در خصوص شهید سلمانیان این مسئله است که او سعی می‌کرد در تمام تصاویریش حتماً عمامه روی سرش باشد و به همه نشان دهد که روحانیون هم در سخن و هم در عمل پیشگام حضور در تمامی میادین سخت و دشوار هستند.

> نکته جالب در خصوص شهید سلمانیان این مسئله است که او سعی می‌کرد در تمام تصاویریش حتماً عمامه روی سرش باشد و به همه نشان دهد که روحانیون هم در سخن و هم در عمل پیشگام حضور در تمامی میادین سخت و دشوار هستند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۹۰

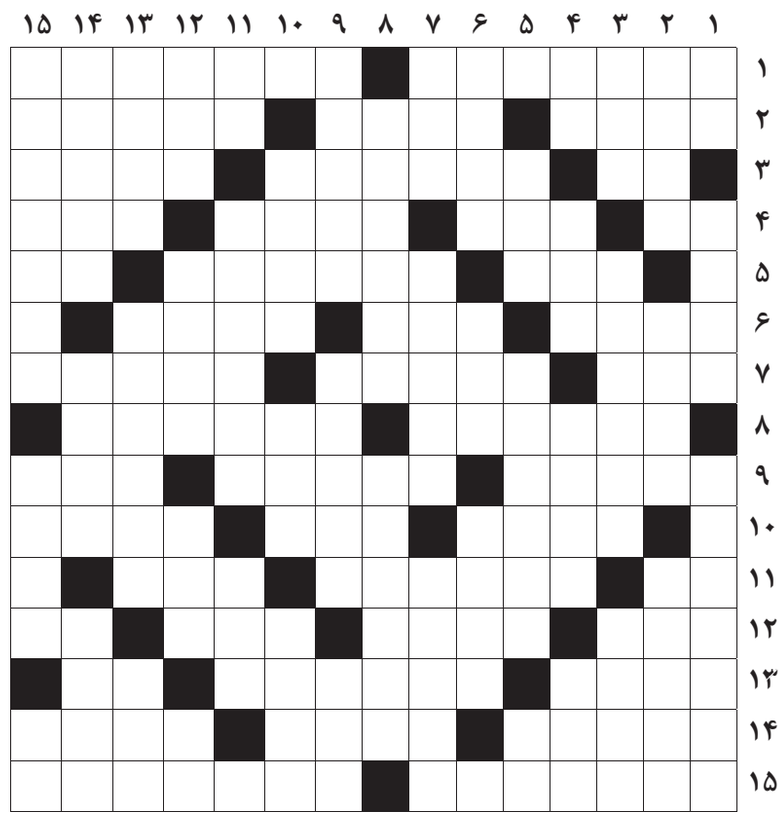

از راست به چپ

■ ۱- تولید ارزشمند صدف- مرکز شهرستان دشت آزادگان ■ ۲- پرنده منقرض شده اقیانوس هند- شهری در چرخ خیاطی- کربن خالص ■ ۳- آش- خانه جغد- خوراک ضبط صورت ■ ۴- برج کج- برکت سفره- خدای هندو- بدبو ■ ۵- راه آب فاضلاب- حریف کم‌انگیزه در ورزش- دریا ■ ۶- فیلسوف نوبل برده انگلیسی- مصون- نوعی چرم ■ ۷- شنبه عربی- مجد و بزرگی- اشعار، اظهار ■ ۸- حمام ماشین- پدر علم نجوم که یک ستاره‌شناس معروف لهستانی است ■ ۹- سازمان ارتباط تلفنی راه دور- امری را به عهدهٔ کسی واگذاشتن- خالص ■ ۱۰- ترشی آزمایشگاه- لیست غذا- بازی حرام ■ ۱۱- علامت بیماری- محل انجام کارهای هنری- خورشید ■ ۱۲- انتها- سال فضانوردان- از پرندگان- نت بیمار ■ ۱۳- جسد حیوان- گل آبی- ناشنو ■ ۱۴- بزک- خانه ساحلی- از گونه‌های باز مناطق سردسیر ■ ۱۵- مؤسس افشاریه و آخرین کشورگشای ایرانی- معادل پنج درصد

از بالا به پایین

■ ۱- کلاه الف- ورمی در مفاصل با درد- ایالتی در اسپانیا ■ ۲- پول روسیه- گریاندن- زادگاه بوعلی سینا ■ ۳- کتاب هندوان- بندری در گیلان- رستگاری ■ ۴- از گروه‌های خونی- دهستانی در سنندج با قرآن تاریخی- خطرپذیری در بازار- موی انگلیسی ■ ۵- یک حرف و سه حرف- ستاره کشتی فرنگی ایران- عدد نفس کش ■ ۶- سمت راست- کلمه سؤالی- داخل ■ ۷- درخت قالیبافان- گشت‌وگذار- گردنه کوه ■ ۸- پشت‌میزنشین اداری- قطعی برای کتاب ■ ۹- رادار زیردریایی- میل و رغبت ناگهانی و ضروری به فعالیت فوری در روان‌شناسی- قیم ■ ۱۰- مقابل همان- برنج پخته شده- خون‌آشام ■ ۱۱- نیم ساعت- باتری- عمارت بلند ■ ۱۲- آلوی کوهی- از آن سو نبوی است- ماه- تصدیق ایتالیایی ■ ۱۳- خیال- عید مسیحیان- ناخن خشک ■ ۱۴- صداقت- پایتخت غنا- دزدی ■ ۱۵- وضو- کاشف اورانوس- فرار حیوان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۸	۴	۳					
						۲		۳
۳			۷	۹	۵			
۶	۲	۷						
						۳		۱
				۸	۷			
۴						۵	۲	
			۱	۵		۸		
		۶		۷				

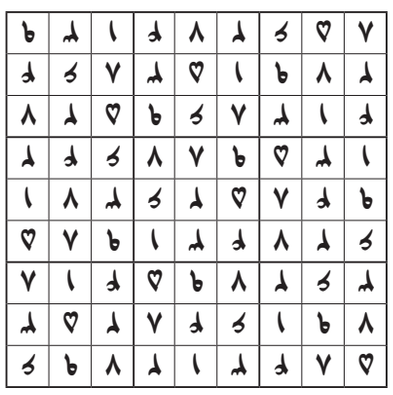

جدول کلمات متقاطع
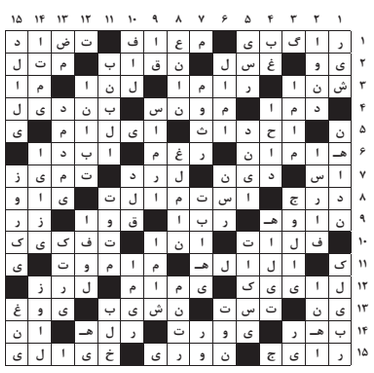
پاسخ جدول شماره ۶۴۸۹